فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره بیست و یکم (زمستان ۱۴۰۳)

شناسایی تاثیر رهبری مبتنی برعلوم اعصاب بر مدیریت دانش با میانجی گری مثبت‌اندیشی دبیران مدارس متوسطه اول بروجرد

(تاریخ ارسال ۱۴۰۳/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۱۲/۲۵)

شهلا بهرامی

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی تاثیر رهبری مبتنی برعلوم اعصاب بر مدیریت دانش با میانجیگری مثبت اندیشی دبیران مدارس متوسطه اول بروجرد است. روش پژوهش حاضر، توصیفی و تحلیل معادلات ساختاری است.جامعه آماری تحقیق عبارت از تعداد ۱۷۳۶ نفر دبیران مدارس متوسطه بروجرد هستند، و به روش نمونه گیری طبقه بندی نسبی نمونه آماری ۳۱۳ نفر انتخاب شدند. در این پژوهش از سه پرسش‌نامه رهبری مبتنی برعلوم اعصاب محقق ساخته (۱۳۹۸)، مدیریت دانش ریف (۱۹۸۹)، مثبت‌اندیشی اینگرام و وینسیکی (۱۹۸۸) استفاده شد. نتایج مدل سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار Smart PLSنشان داد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، رهبری مبتنی برعلوم اعصاب می‌تواند از طریق مثبت اندیشی بر مدیریت دانش تاثیر مثبت و معنادار اعمال کند. و علوم اعصاب دارای دو تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر مدیریت دانش است. اثر غیرمستقیم علوم اعصاب از طریق مثبت اندیشی بر روی مدیریت دانش برابر با حاصل ضرب ضرایب مسیر می‌باشد یعنی برابر است با ۰/۲۹۶ در سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که رهبری مبتنی برعلوم اعصاب از طریق مثبت‌اندیشی بر مدیریت دانش ، تاثیر مثبت و معناداری دارد. و متغیر مستقل از طریق میانجی بر وابسته تاثیر دارد و میزان این تاثیر برابر با ۰/۲۹۶ درصد می‌باشد .

واژگان کلیدی: علوم اعصاب ، مدیریت دانش ، مثبت‌اندیشی، مقطع دبیرستان، بروجرد

مقدمه

سازمان و شرکت ها بر پایه دانشی که برای تولید محصول یا خدمات دارند، استوار ماندند. این دانش در اختیار کارکنان، در فرایند ها، در تکنیک های تولید نهفته هستند. سازمان برای بقا و پیشرفت نیاز دارد تا از این دانش محافظت کند و آن را با دانش های روز جهان بهروز روزرسانی کند.استفاده از تمام دانش تخصصی سازمان، راهی در جهت به حداکثر رساندن پتانسیل سازمان و افزایش کارایی است. با یک ساختار مدیریتی درست میتوان دانش های نهفته و پراکنده را یافت، ثبت کرد و با اشتراک گذاری از آن استفاده کرد. (ستوده و همکاران، ۱۳۹۸). مدیریت دانش، مدیریت دانایی یا مدیریت اندوخته علمی است که به طور ساختار مند دانایی و دانش را ثبت و در سازمان به اشتراک می گذارد. مدیریت دانش به فرایندی گفته می شود که سازمان از روشهای مختلف جهت جمع آوری، ثبت، طبقه بندی، به اشتراگ گذاری و ارزیابی دانش به استفاده می کند تا کارکنان به راحتی بتوانند به آنها دسترسی داشته باشند و از آن جهت بهبود عملکرد و بهبود مستمر بهره مند شوند. این فرایند میتواند از روش های مختلفی صورت بگیرد. دانش ها میتوانند منابع فنی، پرسش متداول مشتریان، اسناد آموزشی، تجربیات به دست آمده از ماموریت، تکنیک های تولید و یا فرایند های درون سازمان باشد. در واقع هرآن چیزی که در سازمان ارزش دانشی داشته باشد جمع آوری و مدیریت می شود. در سازمان‌ها اگر کارکنان از بهزیستی روانی برخوردار باشند کارایی سازمان هم به مراتب افزایش می‌یابد و موجب بهره‌وری سازمان می‌شود که این امر با وجود یک رهبری که بتواند بر جان و دل افراد رخنه کند میسر است و این امر نشان می‌دهد که وجود رهبر در سازمان می‌تواند بر بهزیستی چقدر حایز اهمیت باشد.رهبری یکی از عوامل مهم و موثر در موفقیت در اهداف سازمانی می‌باشد. رهبری یعنی هنر نفوذ بر زیردستان به‌نحوی که آن‌ها به‌صورت داوطلبانه و از روی رغبت فعالیت‌های از پیش تعیین شده‌ای را در چارچوب اهداف معینی انجام دهند (الوانی،

۱۳۹۲). (نیکولز[۱]، ۲۰۱۸) اعتقاد دارد سه راه اصلی که مدیران می‌توانند رهبری را انجام دهند وجود داردکه شامل:

۱- رهبری به‌عنوان موقعیت اسمی مدیر اشاره دارد، رهبری استراتژیک از سر، به‌دنبال پیدا کردن مسیر و ایجاد فرهنگ برای ایجاد یک سازمان موثر است.

۲- رهبری به‌عنوان نظارت بر دست‌ها نگران سازگاری سبک خود با وضعیت داده شده برای دستیابی به عملکرد کارآمد است.

۳- سومین نوع رهبری عمومی‌تر است، رهبری الهام بخش، قلب، با مردم ارتباط برقرار می‌کند، به آنها چشم‌انداز انرژی می‌دهد. قلب کانال اصلی برای روح است، فعالیت‌های تجسم ما را سازماندهی می‌کند و ماهیت موفقیت ما را در تحقق اهداف از طریق انسجام قلب هدایت می‌کند (پالارین[۲]، ۲۰۱۲).

رهبری عصب محور یا نورولیدرشیپ، اصطلاحی است ناشی از نیاز به درک برتر برای تبدیل شدن به رهبران بهتر که با مطالعه و استفاده از دانش کارکرد مغز و مبتنی بر علوم اعصاب، پاسخ داده می‌شود تا بدین ترتیب رهبران موثر و بهتری در رهبری دیگران و خود باشیم. (پیکت، ۲۰۲۱). در تحقیقی در یافتند مثبت‌اندیشی بر بهزیستی روان‌شناختی و امیدواری، عزت نفس و شادکامی موثر است.اولین لازمه شادی و شاد زیستن، تفکر مثبت است. در راستای حل مشکلات روان‌شناختی، رویکردهای مختلفی ظهور نموده‌اند. از جمله این رویکردهای جدید در دهه‌ی اخیر به رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا می‌توان اشاره نمود. رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا توسط سلیگمن[۳]، ۱۹۹۸ پیشنهاد شد.

---

[۱]- Nicholls

[۲]- Palarine

[۳]- Seligman

روان‌شناسی مثبت سه حوزه اصلی دارد:

۱- هیجانات مثبت

۲- خصیصه‌های مثبت افراد

۳- نهادها و سازمان‌های مثبت (صادقی و بیرانوند، ۱۳۹۶).

تعریف کلی مثبت‌اندیشی؛ شیوه‌ای از فکر کردن است که فرد را قادر می‌سازد نسبت به رفتارها، نگرش‌ها، احساس‌ها، علایق و استعدادهای خود و دیگران برداشت و تلقی مناسبی داشته باشد و با حفظ آرامش و خونسردی بهترین و عاقلانه‌ترین تصمیم را بگیرد. مثبت‌اندیشی به معنای داشتن نگرش‌ها، افکار و کردار خوش‌بینانه در زندگی است. رهبران گروه‌ها باید با ایجاد رهبری بر قلب‌های کارکنان نگرش مثبت‌اندیشی را در بین آنها رواج دهند تا موجب بهزیستی روان‌شناختی هرچه تمام‌تر در بین آنها شوند. پژوهش‌های گذشته (محمدی ، ۱۳۹۵) (فرح بخش ، ۱۳۹۶) نشان داده‌اند که توانایی و مهارت افراد در تفکر مثبت بر سلامت روان‌شناختی جسمانی، و بین فردی تاثیر می‌گذارد. اما در هیچ‌کدام از تحقیقات صورت گرفته میزان تاثیر رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر ایجاد نگرش مثبت-اندیشی و قدرت نفوذ آن در میزان بهزیستی روان‌شناختی بررسی نشده است. از آنجا که جامعه آماری در دبیرستان‌ها هستند و اگر کارکنان مدارس از سلامت روانی برخوردار نباشند نمی‌توانند رسالت آموزش و پرورش را به پایان برسانند و از آنجا که معلمان با افرادی سرو کار دارند که تقریبا در مرحله بلوغ و حساسی به‌سر می‌برند و ایجاد خشونت در بین افراد در این مقطع بسیار زیاد است لازم است که از شیوه‌های رهبری استفاده کنند که موجب ایجاد مثبت‌اندیشی و ساخت بهزیستی روان‌شناختی در بین آنها شوند. به دلیل نو و تازه بودن متغیر رهبری مبتنی بر قلب‌ها هیچ پیشینه‌ای در داخل از کشور برای این متغیر یافت نشد.جوان بخش (۱۴۰۰) در پژوهشی دیگر به بررسی اثر بخشی مهارت‌های مثبت‌اندیشی به شیوۀ گروهی بر منبع کنترل دانش‌آموزان دبیرستانی پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد که تغییرات ایجاد شده در میزان منبع کنترل دانش‌آموزان در اثر ارایه‌ی

متغیر مستقل (آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی) بوده است و آموزش یاد شده در درونی-سازی منبع کنترل دانش‌آموزان دبیرستان موثر بوده است (جوان بخش، ۱۳۸۵).در پژوهشی برخورداری (۱۳۹۸)، تحت عنوان "اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی به شیوه‌ی گروهی بر انگیزه‌ی پیشرفت، عزت نفس و شادکامی دانش‌آموزان پسر پایه‌ی اول دبیرستان شهر جیرفت"، به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی تأثیر معناداری بر افزایش نمره‌های انگیزه‌ی پیشرفت و شادکامی دارد (لشنی و همکاران، ۱۳۹۹). چاو[۱]، (۲۰۱۷) در تحقیقی دریافت: زنان دانشجو دارای سطح بالاتری از مدیریت دانش در مقایسه با مردان دانشجو هستند. آن‌ها دارای خودپنداره مثبت‌تر، ارتباط مثبت با دیگران و ارتباط نزدیک با دوستان بودند و پیشرفت تحصیلی بیشتری داشتند.جورج[۲] (۲۰۲۰) نشان داد که رضایت از زندگی می‌تواند سبب افزایش شادی و مثبت اندیشی در سال‌های آخر عمر باشد، بنابراین بین رضایت از زندگی و خوش‌بینی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. لیوبومیرسکیولایوس[۳]، (۲۰۲۱) در تحقیقی دریافتند که مداخله‌های مثبت‌نگری از طریق افزایش هیجان‌های مثبت، افکار مثبت و رفتارهای مثبت باعث افزایش شادکامی و مدیریت دانش می‌شود. (بویلر و همکاران[۴]، ۲۰۲۱) در تحقیقی دریافتند که مداخلات روان‌شناسی مثبت بر بالا رفتن بهزیستی روانی وافزایش هیجانات مثبت موثر است. لذا مساله اصلی این پژوهش این است که تاثیر رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر بهزیستی روان‌شناختی با میانجی‌گری مثبت‌اندیشی دبیران مدارس متوسطه اول شهر بروجرد را مورد بررسی قرار دهد.

۱- Chow

۲- George

۳- Lyubomirsky

۴- Bolier

- اهداف پژوهش

۱ -شناسایی تاثیر رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر مدیریت دانش دبیران مدارس متوسطه شهر بروجرد.

۲ -شناسایی تاثیر رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر مثبت‌اندیشی دبیران مدارس متوسطه شهر بروجرد.

۳ -شناسایی تاثیر مثبت‌اندیشی دبیران بر مدیریت دانش مدارس متوسطه شهر بروجرد.

۴ -شناسایی تاثیر رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر بهزیستی روان‌شناختی با میانجی گری مثبت‌اندیشی دبیران مدارس متوسطه شهر بروجرد

- فرضیه‌ها پژوهش

۱ -رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر مدیریت دانش دبیران مدارس متوسطه شهر بروجرد تاثیر دارد.

۲ -رهبری مبتنی بر علوم اعصاب مثبت‌اندیشی دبیران مدارس متوسطه شهر بروجرد تاثیر دارد.

۳ -مثبت‌اندیشی دبیران بر مدیریت دانش مدارس متوسطه شهر بروجرد تاثیر دارد.

۴ -رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر مدیریت دانش با میانجی گری مثبت‌اندیشی دبیران مدارس متوسطه شهر بروجرد تاثیر دارد

- روش پژوهش

این تحقیق به این دلیل کاربردی است که از نتایج طرح برای بهبود عملکرد مدارس استفاده می‌شود. و به این دلیل توصیفی است که مطالعه وضعیت موجود شهر بروجرد مد نظر است. و از آن جهت که درصدد مشخص کردن روابط بین متغیرها است. پژوهش از نوع همبستگی

می‌باشد. حال چون به بررسی تاثیر این روابط می پردازد از نوع معادلات ساختاری است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزارهای SPSS و Smart PLS استفاده می‌شود.

- جامعه و نمونه

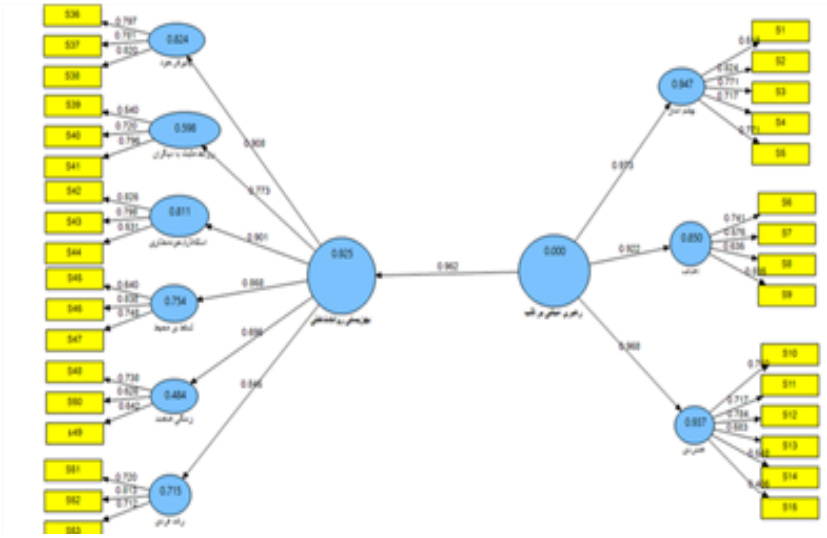
جامعه این پژوهش شامل: معلمان مقطع دبیرستان شهر بروجرد که تعداد آنها طبق گزارش آموزش و پرورش قسمت انفورماتیک، ۱۷۲۶ نفر است که ۴۱۰ نفرآنها مرد و ۱۳۱۶ نفر آنها زن هستند. نمونه گیری با توجه با جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) به تعداد ۳۱۳ نفر به روش طبقه ای نسبی انتخاب می‌شوند .

- روش تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش جهت نشان دادن برخی مشخصات آزمودنی‌ها و همچنین برای انجام تحلیل‌های مقدماتی میانگین، انحراف معیار همبستگی و غیره از آمار توصیفی استفاده شد. سپس برای انجام تحلیل‌های پیچیده تر از آمار استنباطی استفاده گردید، به این ترتیب برای ارزیابی برازندگی الگوی پیشنهادی بررسی روابط متغییرها از الگو یابی معادلات ساختاری PLS استفاده شد. تمامی تحلیل‌ها از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و Smart PLSاستفاده شد.

- یافته های پژوهش

فرضیه اصلی اول: رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر مدیریت دانش معلمان مقطع دبیرستان شهر بروجرد تاثیر دارد.

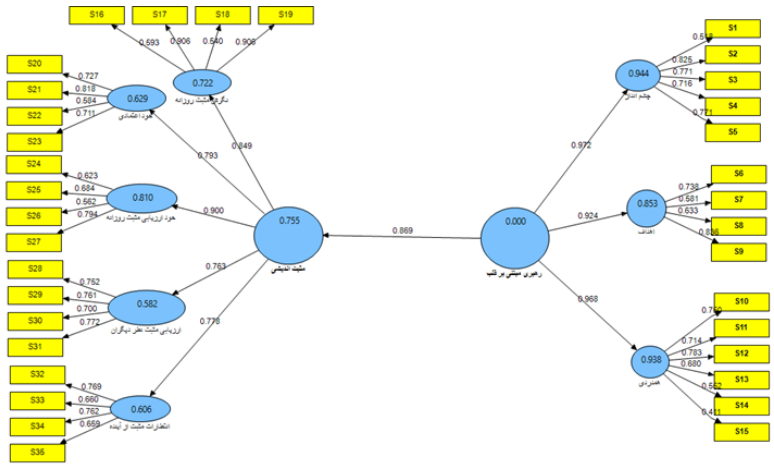


فرضیه یک در حالت ضریب مسیر

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع فرضیه	ضریب مسیر	آماره t	نتیجه‌ی آزمون
رهبری مبتنی بر علوم اعصاب	مدیریت دانش	اصلی	۰/۹۶۲	۹۹/۲۸۸	پذیرش فرضیه

براساس نتایج جدول فوق، با توجه به اینکه مقدار آماره ی) t۹۹/۲۸۸) بزرگتر از ۲/۵۸ است، می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ این رابطه معنادار می‌باشد. از سوی دیگر ضریب مسیر محاسبه شده برابر با ۰/۶۶۱ و مثبت می‌باشد. از این رو در سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر مدیریت دانش تاثیر مثبت و معناداری دارد و رهبری فضیلت گرا می‌تواند ۰/۹۶۲از تغییرات متغیر مدیریت دانش معلمان را تبیین نماید.

فرضیه اصلی دوم: رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر مثبت اندیشی معلمان مقطع دبیرستان شهر بروجرد تاثیر دارد

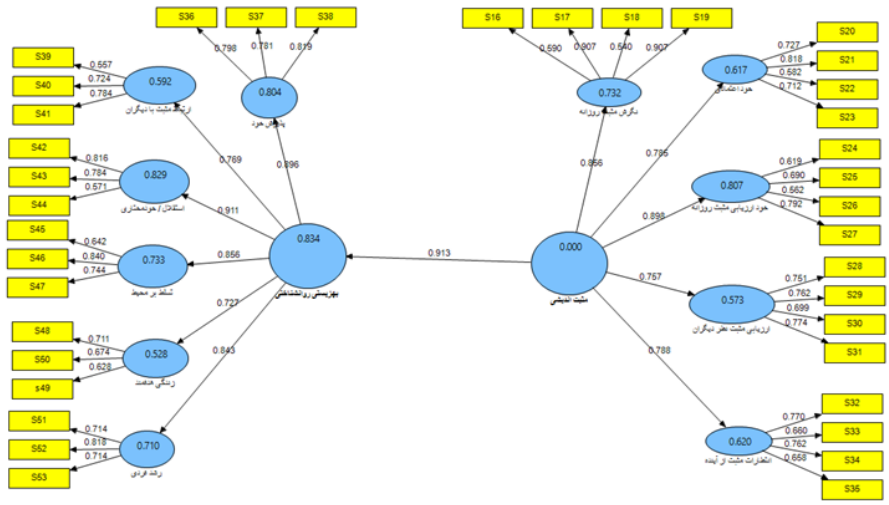


متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع فرضیه	ضریب مسیر	آماره t	نتیجه‌ی آزمون
رهبری مبتنی بر علوم اعصاب	مثبت‌اندیشی	اصلی	۰/۸۶۹	۲۸/۸۴۶	پذیرش فرضیه

براساس نتایج جدول فوق، با توجه به اینکه مقدار آماره ی t) ۲۸/۸۴۶ (بزرگتر از ۲/۵۸ است، می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ این رابطه معنادار می‌باشد. از سوی دیگر ضریب مسیر محاسبه شده برابر با ۰/۸۶۹و مثبت می‌باشد. از این رو در سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر مثبت اندیشی تاثیر مثبت و معناداری دارد و رهبری مبتنی بر علوم اعصاب می‌تواند ۰/۸۶۹از تغییرات متغیر مثبت اندیشی را تبیین نماید.

فرضیه اصلی سوم: مثبت اندیشی بر مدیریت دانش معلمان مقطع دبیرستان شهر بروجرد تاثیر دارد

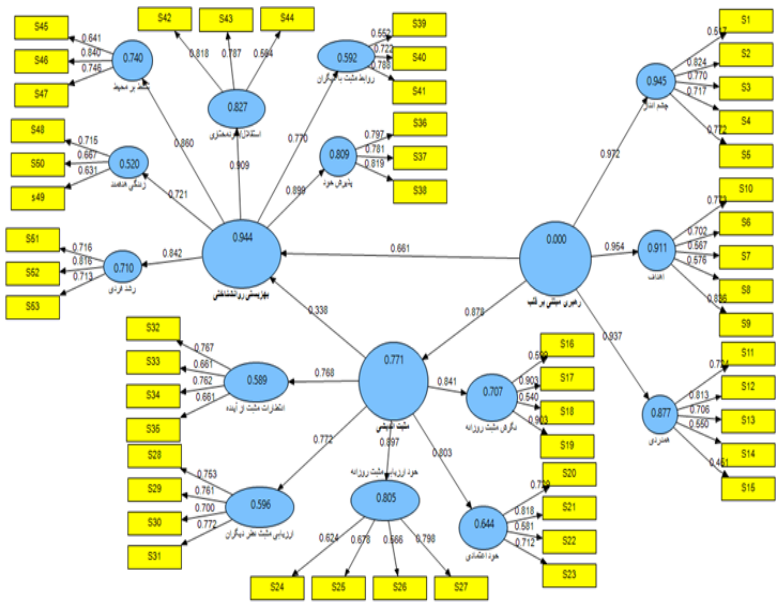
متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع فرضیه	ضریب مسیر	آماره t	نتیجه‌ی آزمون
مثبت‌اندیشی	مدیریت دانش	اصلی	۰/۹۱۳	۴۴/۶۶۵	پذیرش فرضیه



بر اساس نتایج جدول فوق، با توجه به اینکه مقدار آماره¬ی t) ۴۴/۶۶۵ (بزرگتر از ۲/۵۸ است، می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ این رابطه معنادار می‌باشد. از سوی دیگر ضریب مسیر محاسبه شده برابر با ۰/۹۱۳و مثبت می‌باشد. از این¬رو در سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که مثبت¬اندیشی بر مدیریت دانش معلمان تاثیر مثبت و معناداری دارد و مثبت‌اندیشی می‌تواند ۰/۹۱۳ از تغییرات متغیر مدیریت دانش معلمان را تبیین نماید.

فرضیه اصلی چهارم: رهبری مبتنی بر علوم اعصاب بر مدیریت دانش معلمان مقطع دبیرستان شهر بروجرد با میانجیگری مثبت اندیشی تاثیر دارد

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	نوع فرضیه	ضریب مسیر			آماره t	نتیجه‌ی آزمون
				مستقیم	غیرمستقیم	کل		
رهبری مبتنی بر علوم اعصاب	مثبت‌اندیشی	مدیریت دانش	اصلی	۰/۶۶۱	۰/۲۹۶	۰/۹۵۷	۴/۸۵۲	**تایید فرضیه**



برای آزمون تاثیر یک متغیر میانجی، یک آزمون پرکاربرد به نام آزمون سوبل وجود دارد که برای معناداری تاثیر میانجی یک متغیر در رابطه میان دو متغیر دیگر به‌کار می‌رود (پریچر و لئوناردلی[۱] به نقل از داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). در آزمون سوبل یک مقدار z-value از طریق رابطه یک به‌دست می‌آید که در صورت بیش‌تر شدن این مقدار از ۱.۹۶ می‌توان در سطح ۹۵ درصد معنادار بودن تاثیر میانجی را تایید نمود. (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). نتایج مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS۲ نشان داد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، رهبری مبتنی بر علوم اعصاب می‌تواند از طریق مثبت‌اندیشی بر مدیریت دانش تاثیر مثبت و معنادار اعمال کند. همان-طور که جدول بالا نشان می‌دهد رهبری مبتنی بر علوم اعصاب دارای دو تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر مدیریت دانش است. اثر غیرمستقیم رهبری مبتنی بر علوم اعصاب از طریق مثبت-اندیشی بر روی مدیریت دانش برابر با حاصل‌ضرب ضرایب مسیر می‌باشد یعنی برابر است با ۰/۲۹۶ (۰/۸۷۸×۰/۳۳۸). در سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که فرضیه فوق تایید گردیده و رهبری

[۱] - preacher & leonaardelli

مبتنی بر علوم اعصاب از طریق مثبت‌اندیشی بر مدیریت دانش ، تاثیر مثبت و معناداری دارد. همان‌طور که عدد معناداری t (۴/۸۵۲) نشان می‌دهد، می‌توان فرض .H را مبنی بر عدم وجود تاثیر، با سطح اطمینان ۹۹٪ رد کرد؛ بدین‌معنی که میزان ضریب رگرسیونی برابر صفر نبوده و متغیر مستقل از طریق میانجی بر وابسته تاثیر دارد و میزان این تاثیر برابر با ۰/۲۹۶ درصد می‌باشد. به منظور بررسی معناداری متغیر میانجی (آماره t) به‌دست آمده، از آزمون سوبل استفاده گردیده است که در ادامه ارائه می‌شود.

- **پیشنهادات**

- تقویت توانمندی‌ها و ویژگی‌های مثبت فردی در بین کارکنان.

- افزایش احساس معنا و هدفمندی در زندگی می‌تواند باعث کاهش علائم و نشانه‌های افسردگی و افزایش بهزیستی روان‌شناختی در بین کارکنان سازمان.

- غنی‌سازی مشاغل و ارتقای شغلی کارکنان برای ایجاد بهزیستی روانی.

- ایجاد ارتباطات بیشتر و صمیمیت در بین کارکنان برای ایجاد بهزیستی در بین کارکنان.

- احترام گذاشتن به‌کارکنان زیر دست خود و توجه آنها به‌کارکنان در سازمان.

- مدیران از اشتباهات کارکنان خود که عذر خواهی می‌کنند صادقانه گذشت کند.

- توجه به عوامل درون سازمانی مثل منابع انسانی و ساختار سازمانی را در اولویت خود قرار دهند.

- با توجه به تایید فرضیه سوم پیشنهاد می‌شود نوشتن گفتارهای مثبت و نصب آنها در سازمان.

- وجود روانشناسان در سازمان برای ایجاد تفکر مثبت‌اندیشی دربین کارکنان.

- مدیران درمیان اهداف، هدف‌هایی را انتخاب کنند که امید بیشتری به موفقیتشان است و باعث امید بیشتر و ایجاد تفکر مثبت در بین کارکنان می‌شود.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ستوده، ع؛ و شهریاری، و. اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی بر سلامت روانی و شادکامی معلولین. اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم رفتاری. ۱۳۹۸.
- الوانی اصل، م. مقایسه سازگاری فردی و اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد هدایت شده به اولویت‌های پنج‌گانه طبق برنامه هدایت تحصیلی. طرح پژوهشی اجرا شده با همکاری اداره کل بنیاد شهید انقلاب اسلامی خوزستان. ۱۳۹۲.
- صادقی، س. بیرانوند، ا. نظریهٔ مشاوره و روان‌شناختی درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۹۳.
- محمدی، ف. بهزیستی روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی بالینی تهران. ۱۳۹۵.
- فرح بخش، م. رابطه نارسایی هیجانی با اضطراب افسردگی، درماندگی روان‌شناختی و بهزیستی روان‌شناختی. فصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه تبریز. سال سوم. شماره ۱۰. ۱۳۹۶.
- جوانبخش، ر. بررسی رابطه بین خوش‌بینی اسلامی، خوش‌بینی آموخته شده سلیگمن و امنیت روانی. مجله روان‌شناسی و دین، سال چهارم، شماره چهارم، ص ۱۰۲ - ۷۵. ۱۳۸۵.
- برخورداری، م؛ و غباری بناب، ب. ساخت و بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس مثبت‌نگری. طرح پژوهشی، دانشگاه تهران، دانشکدهٔ روانشناسی و علوم‌تربیتی. ۱۳۹۸.
- لشنی، س. تاثیر آموزش مهارت‌های مثبت اندیشی بر خلاقیت دانش‌آموزان دختر سال اول دبیرستان. مقاله فارسی، ۱(۴)، ۱۷-۱. ۱۳۹۹.

ب) منابع لاتین

Ryff, G. W. Ross, J. M. (۲۰۱۱). Personal religious orientation and prejudice, Journal of Personality and Social Psychology, Vol.۵, ۴۳۲-۴۴۳.

Nicholls, C. (۲۰۱۸). "Kreativitet och kritiskt tandande.Redsckap for framtids beredskap " [Creativity and critical thinking. Tools for preparedness for the future]. In Krut, ۵۳, ۶۱-۷۴.

Chow LK.(۲۰۱۷). Still happy after all these years: Research frontiers on subjective well-being inLater Life. J Gerontol Soc Sci ۲۰۱۰; ۶۵ (۳): ۳۳۱-۹.

George G. (۲۰۲۰). Spirituality and Depression: A Look at the Evidence, Southern Medical Journal, Vol.۱۰۰, Iss.۷, ۷۳۷-۷۳۹.

Lyubomirsky D.G. (۲۰۲۱).The funds, friends, and faith of happy people. American Psychologist, ۵۵, ۵۶-۵۷.

Bolier, N., & Strack, F. (۲۰۲۱). Evaluating one's life: A judgment model of subjective well-being. In F. Strack, M. Argyle and N. Schwarz (Eds.). Subjective Well-Being: An Interdisciplinary Perspective. Oxford: Pergamon Press.